



10.22106/PR.2025.2049541.1036 : شناسه دیجیتال (DOI)
مقاله پژوهشی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۹۶-۱۹۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

مصادیق یابی مفهوم حقوق عامه از منظر رهبر انقلاب اسلامی

مصطفی کریمی پور*، سعیده سادات تقی زاده**

چکیده

حقوق عامه و رعایت حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه نظام‌های اسلامی بوده و امکانات موجود در جامعه باید به نحوی عادلانه برای رفاه و آسایش عمومی مردم به کار گرفته شود. احیای حقوق عامه از وظایف اساسی قوه قضائیه به شمار می‌رود که در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و مواد ۲۲، ۲۹۰ و ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری به آن تصریح شده است. اهمیت این مسئله تا جایی است که مقام معظم رهبری طی دو دهه اخیر، بارها موضوع حقوق عامه را در سخنرانی‌ها و جلسات خود با مقامات قضائی مطرح کرده‌اند که بیانگر جایگاه والای این مفهوم در اندیشه ایشان است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حقوق عامه، حقوقی است که برای همه مردم تعریف شده و مسئولیت احیای آن برعهده دادستان کل کشور است که در صورت رعایت، موجب جلب اعتماد مردم به حاکمیت و دستگاه قضائی می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین مهم‌ترین مصادیق حقوق عامه در بیانات رهبر معظم انقلاب نگارش شده است و به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که شیوه‌های احیای حقوق عامه چگونه امکان‌پذیر است. در این راستا با توصیف دقیق مفهوم حقوق عامه، ارائه راهکارهای اجرایی آن، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در بررسی انجام شده مهم‌ترین مصادیق حقوق عامه؛ شامل حمایت از تولید، دفاع از حق مردم در عرصه بین‌الملل، سلامت و آموزش، امریه معروف و نهی از منکر، حفظ حقوق معنوی و تأمین امنیت و آرامش روانی مردم است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. **واژگان کلیدی:** حقوق عامه، چگونگی احیا، مقام معظم رهبری، قوه قضائیه، قانون اساسی.

* استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی دانشگاه علامه عسگری، قم، ایران (نویسنده مسئول).
mmkhpour@yahoo.com

** قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری مطالعات زنان و حقوق خانواده، دانشکده حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
taghizadesadat@gmail.com

مقدمه

یکی از وظایف اساسی که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی برعهده قوه قضائیه قرار گرفته است، احیای حقوق عامه است. قانون اساسی تصریح می‌کند که قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت و گسترش آزادی‌های مشروع است. این امر به معنای الزام دستگاه قضائی به ورود و پیگیری مستقیم موارد تضییع حقوق عامه و تعدی به حقوق عمومی مردم توسط دادستان‌ها به‌عنوان مدعی‌العموم است.

اصطلاح «حقوق عامه» که ریشه در مبانی فقهی اسلام دارد، نشان‌دهنده نقش محوری جامعه در نظام حقوقی مبتنی بر احکام اسلامی است. این مفهوم در مکتب‌های فقهی مختلف جهان اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته و بر وجود مجموعه‌ای از حقوق و امتیازات اصیل و تغییرناپذیر برای عموم مردم تأکید دارد. حقوق عامه به پشتوانه الزامات قانونی و قدرت عمومی شناخته، تثبیت و تضمین می‌شود. به همین دلیل، سازوکارهای مطالبه‌گری و دادخواهی نیز باید در ساختار حقوقی پیش‌بینی و به رسمیت شناخته شوند.

استقرار قسط و عدل در جامعه، به‌معنای تضمین این موضوع است که هیچ فردی به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند یا در صورت تجاوز، بدون پیگیری و اعمال مجازات رها نخواهد شد. قوه قضائیه به‌عنوان پاسدار حقوق و آزادی‌های عمومی، باید به تقویت جایگاه خود در صیانت از این حقوق توجه کند. این موضوع یکی از شاخص‌های مهم کارآمدی و مشروعیت نظام قضائی محسوب می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۳: ۷).

حقوق اساسی به‌عنوان ریشه و منبع اصلی حقوق عامه در قانون اساسی تعریف شده است. بااین حال، حقوق عامه تنها محدود به حقوق اساسی نیست، بلکه شامل حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و قضائی نیز می‌شود. این حقوق در سایه عدالت سازمان‌دهی و تضمین می‌شوند (نقره‌کار، ۱۳۸۸: ۲۶).

احیای حقوق عامه فراتر از مفاهیمی چون نظم‌خواهی و احقاق حق در حقوق کیفری و خصوصی است و نیازمند اقداماتی در چارچوب حقوق عمومی است. هرچند قضاوت و حل و فصل اختلافات از وظایف بدیهی حکومت‌ها محسوب می‌شود، اما قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران وظایف گسترده‌تری دارد. اصل ۱۵۶ قانون اساسی احیای حقوق عامه را یکی از مهم‌ترین اهداف این نظام معرفی کرده است.

قانون آیین دادرسی کیفری در مواد ۲۹۰ و ۲۹۳ بر مسئولیت دادستان کل کشور در این زمینه تأکید دارد. ماده ۲۹۰ این قانون مقرر می‌دارد: «دادستان کل کشور مکلف است در جرایم مرتبط با اموال منقول، منافع و مصالح ملی و خسارات وارده به حقوق عمومی، از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی یا بین‌المللی پیگیری و نظارت کند.» همچنین، ماده ۲۹۳ بیان می‌کند: «چنانچه در موارد حقوق عامه و دعاوی مرتبط با دولت، امور خیریه، اوقاف عامه و امور محجورین یا غایب مفقودالاثر، حکم قطعی

صادر شود و دادستان کل کشور آن را خلاف شرع بین یا قانون تشخیص دهد، می‌تواند مراتب را به‌طور مستدل جهت اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری به رئیس قوه قضائیه اعلام کند». احیای حقوق عامه به وضعیتی مربوط می‌شود که در آن، با وجود پیش‌بینی وظایف و مسئولیت‌ها برای نهادهای عمومی، اقدامات لازم و کافی انجام نشده است. در چنین شرایطی، قوه قضائیه وظیفه احیای این حقوق را به‌عنوان یک تکلیف ثانویه برعهده دارد (پروین و اصحابی، ۱۴۰۰: ۶). پژوهش‌هایی متعددی درخصوص حقوق عامه از سوی اندیشمندان صورت گرفته است لکن وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر تحقیقات صورت‌گرفته در این است که به‌طور مستقل به مصادیق حقوق عامه در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته و عهده‌دار پاسخ به دو پرسش مهم خواهد بود. ابتدا به‌صورت تحلیلی مهم‌ترین مصادیق حقوق عامه از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین و سپس به چگونگی احیاء حقوق عامه در راستای فرامین رهبر انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این راستا به‌عنوان پیشینه می‌توان به مقاله آسیب‌شناسی فرایند کشف مصادیق نقض حقوق عامه توسط غلام‌عباس ترکی و سیدعباس تقوی اشاره نموده که در آن به آسیب‌شناسی احیای حقوق عامه و کشف نقض آن مانند ضعف در رویکرد اساسی، ضعف امنیت حقوقی و قضائی، ضعف مشارکت عمومی، انسجام و همگرایی ساختار موجود و نیز بایسته اصلاح رویکردی، بایسته امنیت حقوقی و قضائی و بایسته مشارکت عمومی به‌طور مفصل پرداخته است. همچنین فاطمه افشاری و مصطفی منصوریان و محمدحسن کیگانی در مقاله واکاوی مفهومی احیای حقوق عامه با مطالعه تطبیقی دعاوی منفعت عمومی به دعاوی منفعت عمومی، ضرورت پیش‌بینی آن، نسبت‌سنجی بین کار احیای حقوق عامه و منفعت عمومی پرداخته‌اند. اثر دیگری تحت عنوان الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختار قضائی توسط سیدمحمد مهدی غمامی در سال ۱۳۹۷ به رشته تحریر درآمده است که نویسنده به بیان تکلیف دستگاه قضائی و اصلاح ساختارها و صلاحیت‌های نهادهای رسمی مانند دادستانی، دیوان عدالت اداری، ستاد حقوق بشر و سازمان بازرسی کل کشور پرداخته است.

۱. تحلیل مفاهیم

اصطلاح «حقوق عامه» و «احیاء» از مفاهیم اصلی و محوری این پژوهش هستند. تبیین و تحلیل این مفاهیم به فهم بهتر ابعاد موضوع و نحوه تحقق سیاست‌های مربوط به احیای حقوق عامه کمک می‌کند.

۱-۱. حقوق عامه

حقوق عامه به معنای مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های مشروع است که ریشه در موازین اسلامی و الزامات قانونی دارد. این حقوق، تعهد دولت و تکلیف قوه قضائیه برای احیای آن و برخورد با ناقضان

را شامل می‌شود (غمامی، ۱۳۹۷: ۷۷). با این حال، این تعریف برای پاسخ به برخی ابهامات کافی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، برای دستیابی به تعریفی دقیق‌تر و مشخص‌تر از صلاحیت قوه قضائیه در احیای حقوق عامه، تبیین مفهوم اصطلاحی این حقوق ضرورت دارد. براساس بررسی‌ها، دو رویکرد مفهومی برای تعریف حقوق عامه قابل فرض است:

الف: رویکرد اول:

حقوق عامه به حق‌های عمومی و همگانی که ذی‌نفع آن کل جامعه است، محدود می‌شود. نمونه‌هایی از این حقوق شامل اصل ۴۵ قانون اساسی درباره اموال و ثروت‌های عمومی و اصل ۵۰ قانون اساسی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست است. همچنین، اصل ۷۳ قانون اساسی در مورد بناها و اموال عمومی نیز در این دسته قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که به منافع عمومی و ملت ایران آسیب می‌رساند، از مصادیق تضییع حقوق عامه محسوب می‌شود.

ب: رویکرد دوم:

این رویکرد علاوه بر حقوق عمومی و همگانی، حقوق اشخاص را نیز به‌عنوان حقوق عامه دزیر می‌گیرد. به‌عنوان مثال، نقض زنجیره‌های تأمین انسولین که زندگی بیماران دیابتی را در سراسر ایران به خطر انداخته است، می‌تواند نمونه‌ای از این حقوق باشد. هرچند ذی‌نفع مستقیم این موضوع افراد خاصی هستند، اما گستردگی تأثیر آن موجب می‌شود که در چارچوب حقوق عامه قرار گیرد (دشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

۱-۱- تعاریف گسترده‌تر از حقوق عامه

برخی پژوهشگران، حقوق عامه را شامل حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و قضائی می‌دانند. این حقوق در حقوق اساسی به‌عنوان مصداق اتم و اکمل حقوق عامه تجلی یافته است (نقره‌کار، ۱۳۸۸: ۲۳). ازسوی دیگر، برخی حقوق عامه را حق جامعه بر نظم عمومی و امنیت شهروندان تعریف کرده‌اند (تنگستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲).

حقوق عامه مفهومی گسترده است که می‌تواند شامل حقوق عمومی و خصوصی باشد. قانون اساسی برخی از مصادیق این حقوق را برشمرده است، اما محدود به آن‌ها نیست. حقوق عامه می‌تواند از تمامی اسناد حقوقی معتبر نظام حقوقی استنباط شود. قانونگذار با به‌کارگیری واژه «عامه» به حقوقی اشاره دارد که به عموم افراد جامعه تعلق دارد و در عرصه روابط عمومی جامعه مطرح می‌شود (افشاری و پتفت، ۱۴۰۰: ۱۱۵). برخی دیگر از حقوق‌دانان حقوق عامه را فراتر از حقوق اساسی می‌دانند. حقوق عامه را در معنای اعم آن شاید بتوان به کلیه حقوقی که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت آمده، تعریف کرد (شفیعی علویچه و دیگران، ۱۴۰۳: ۳۰). برخی دیگر حقوق عامه را

حق جامعه بر نظم عمومی و امنیت شهروندان خویش دانسته‌اند (هادی، ۱۳۹۰: ۱۳).

۱-۲. تعریف حقوق عامه در دستورالعمل قوه قضائیه

رئیس قوه قضائیه در دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، این حقوق را چنین تعریف کرده است: «حقوقی که در قانون اساسی، قوانین موضوعه یا سایر مقررات لازم‌الاجرا ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن، نوعی از افراد جامعه مانند افراد یک شهر، منطقه، محله یا صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب ازدست‌رفتن منافع یا سلب امتیاز آنان می‌شود. این حقوق شامل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی، میراث فرهنگی، اموال عمومی و استانداردهای اجباری است» (بند الف ماده یک دستورالعمل شماره ۱۰۰/۵۳۷۹۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳).

۳-۲. حقوق عامه از منظر فقها

آیت الله حائری معتقد است: «حقوق عامه للمسلمین یكون علی الوالی المحافظه علیها و التفتیش عن حقیقه الحال عند الشاک فیها، کما فی حفظ أمن البلاد و راحه الاد؛ حقوق عامه مسلمانان که حاکم شرع وظیفه دارد در هنگام شک و تردید مانند حفظ امنیت کشور و آسایش خدمتگزاران، وضعیت را حفظ کند و به جستجوی آن بپردازد» (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ۱: ۸۹) و در تعریف دیگر بیان شده است «هذا حقوق عامه المسلمین الواجب صرفها فی مصالحهم العامه؛ این حقوق عامه مسلمانان است که باید در جهت منافع عمومی آن‌ها هزینه شود.» (ایروانی نجفی، ۱۳۸۰، ۲: ۴۲۳).

به رغم اهمیت بسیار زیاد حقوق عامه و کاربرد گسترده آن، در قوانین تعریف دقیق و جامعی از آن ارائه نشده است و همین امر سبب تعاریف متعدد از سوی حقوق‌دانان شده است درنهایت، می‌توان گفت حقوق عامه، مجموعه‌ای از حقوق بنیادین است که برای تأمین منافع و رفاه عمومی و حفظ کرامت انسانی، به تمام افراد جامعه، فارغ از دین، مذهب، قومیت، جنسیت، وضعیت اجتماعی یا هر ویژگی دیگری، تعلق دارد. هیچ فردی نباید از این حقوق محروم شود. و هم‌پوشانی زیادی با حقوق عمومی و حقوق بشر دارد. حقوق عامه بسیار گسترده، پویا و متناسب با تغییرات اجتماعی و نیازهای جامعه در حال تحول هستند و مصادیق آن قابل احصاء نیست و قانون اساسی فقط به برخی از مصادیق مهم آن مانند معادن، دریا، زمین‌های موات، دریاها و کوه‌ها و بیابان‌ها و جنگل‌ها را در اصل ۴۴ بیان نموده است و چارچوبی را برای حفظ این حقوق بیان نموده است و فقها با استناد به آموزه‌های اسلامی، به اهمیت حفظ حقوق و منافع عمومی تأکید کرده‌اند. این حقوق، نیازمند توجه جدی از سوی قانونگذاران، مجریان قانون و تک‌تک افراد جامعه است.

۱-۲. احیا

واژه «احیا» در لغت به معنای زنده کردن، آبادکردن زمین، و شب‌زنده‌داری آمده است (معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه احیا). این مفهوم زمانی معنا می‌یابد که چیزی در معرض آسیب، تهدید یا نابودی باشد و کنش یا واکنشی در جهت زنده کردن یا بازگرداندن آن انجام شود؛ به عنوان مثال، مفهوم «احیای موات» که به بازگرداندن زمین‌های مرده به حالت قابل استفاده اشاره دارد.

در اصطلاح حقوقی، «احیای حقوق عامه» به معنای ایجاد موجبات حقوقی برای امکان استیفای حقوق بالقوه و تبدیل آن‌ها به حقوق بالفعل برای شهروندان از سوی مقام قضائی است. این به آن معنا است که دستگاه قضائی، علاوه بر وظیفه احقاق حق، در مواردی که حقوق شهروندان تضییع شده یا حریم آن‌ها مورد تعرض قرار گرفته است، وظیفه دارد در راستای احیای حقوق عامه اقدام کند (افشاری، پخت، ۱۴۰۰: ۱۱۲). این اصطلاح وضعیتی را به ذهن متبادر می‌کند که تحقق و ایفای حقوق مصرح در قانون اساسی، قوانین موضوعه و سایر مقررات لازم‌الاجرا، در زمان مناسب و به صورت کامل صورت نگرفته است. بنابراین، احیای حقوق عامه به معنای تلاش برای بازگرداندن این حقوق به مسیر درست و تأمین عدالت در جامعه است (تنگستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸).

به نظر می‌رسد احیا حقوق عامه، فراهم نمودن دسترسی آسان شهروندان به تمامی حقوق، اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف در این زمینه و برطرف کردن نارسایی قوانین احیای حقوق عامه و برخورد قانونی با دستگاه‌ها و اشخاصی که به واسطه فعل یا ترک فعل و عدم ایفای تکالیف قانونی حقوق عامه را در معرض تضییع قرار می‌دهند.

۲. احیاء و استیفای حقوق عامه در اندیشه مقام معظم رهبری

احیای حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع مردم از موضوعات کلیدی است که در گفتمان مقام معظم رهبری به طور جدی مطرح شده است. ایشان این امر را از وظایف اصلی قوه قضائیه دانسته و تأکید دارند که این نهاد باید پرچم‌دار تحقق عدالت و حمایت از حقوق مردم باشد. از دیدگاه ایشان، قوه قضائیه باید هرگونه تضییع حقوق عمومی یا قانونی مردم را توسط نهادهای دولتی، غیردولتی یا اشخاص خصوصی با جدیت پیگیری کند. این نهاد باید در ایفای نقش خود به گونه‌ای عمل کند که مردم احساس کنند عدالت برقرار است و قوای قضائیه همواره پشتیبان حقوق عمومی و مبارز فساد و تبعیض است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۴).

ایشان همچنین بر لزوم قراردادن گسترش عدل، احیای حقوق عامه و نظارت بر اجرای قانون در رأس برنامه‌های قوه قضائیه تأکید دارند. به اعتقاد ایشان، تحقق این اهداف، اعتماد عمومی را افزایش

داده و نقش قوه قضائیه را در حل منازعات و بحران‌ها برجسته‌تر می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۱۶).

۲-۱. توجه به نظارت و اجرای حقوق عامه توسط دادستان‌ها

رهبر انقلاب بر ضرورت نظارت دادستان‌ها بر حقوق عمومی تأکید کرده و معتقدند این نظارت باید با جدیت و استناد به قانون انجام شود. ایشان در یکی از سخنان خود، احیای حقوق عامه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دادستان‌ها معرفی کرده و نمونه‌هایی از ورود دادستان‌ها در وقایع اخیر مانند سیل سال ۱۳۹۸ را مثال زده‌اند که نشان‌دهنده نقش مؤثر این نهاد در جلوگیری از تضییع حقوق عمومی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۴/۷).

۲-۲. گستره وظایف قوه قضائیه فراتر از قضات

مقام معظم رهبری معتقدند که وظایف قوه قضائیه تنها به قضات و صدور حکم محدود نمی‌شود. ایشان احیای حقوق عامه را وظیفه‌ای فراگیر می‌دانند که حوزه‌های مختلفی از اقتصاد و امنیت تا مسائل بین‌المللی را شامل می‌شود. از دیگر وظایف قوه قضائیه، گسترش آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین و حفظ حقوق همه افراد، حتی کسانی که وفادار به نظام نیستند، است. این نگاه جامع‌نگر به حقوق عامه، اهمیت ویژه‌ای را برای حفظ حقوق شهروندان در نظام جمهوری اسلامی ایران قائل است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۳/۴).

۲-۳. پیگیری مستمر و سیاست‌گذاری راهبردی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر تأکید زیادی بر احیای حقوق عامه داشته و این موضوع را به‌طور مستمر در سخنرانی‌ها و دیدارهای خود مطرح کرده‌اند. ایشان با ارائه راهکارهای عملی و تبیین نمونه‌ها، مسئولان را به پیگیری این وظیفه در قالب برنامه‌های تقنینی، ساختاری و تبلیغی فراخوانده‌اند. این تأکیدات نشان‌دهنده راهبردی‌بودن احیای حقوق عامه در سیاست‌های کلان نظام است.

۳. دامنه و اهمیت حقوق عامه در اندیشه مقام معظم رهبری

از نظر مقام معظم رهبری، حقوق عامه مفهومی گسترده دارد که ابعاد متنوعی از اقتصاد و امنیت تا عرصه‌های بین‌المللی را شامل می‌شود. دفاع از حقوق مردم در عرصه‌های بین‌المللی، گسترش عدل و آزادی، و مقابله با تضییع حقوق عمومی از جمله محورهای اصلی این مفهوم است. ایشان تأکید دارند که احیای حقوق عامه، صرفاً محدود به حوزه‌های اقتصادی نیست و باید به تمامی ابعاد آن توجه شود. اگرچه بیش از ۱۰۳ مورد از مضامین حقوق عامه احصا شده‌اند، این پژوهش به برخی از مهم‌ترین آن‌ها که مورد تأکید رهبری است، می‌پردازد.

۳-۱. حمایت از تولید و رفع موانع آن

رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره بر حمایت از تولید و رفع موانع آن تأکید کرده‌اند. ایشان اقدامات قوه قضائیه در احیای کارخانه‌های تعطیل‌شده، کاهش تشریفات اداری و تسهیل در ترخیص کالاهای گمرکی را ستوده و این موارد را گام‌هایی در راستای تحقق حقوق عامه دانسته‌اند (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰/۴/۷).

در سال ۱۴۰۲، معاون اول قوه قضائیه اعلام کرد که اقدامات حمایتی این قوه از واحدهای تولیدی در سراسر کشور منجر به جلوگیری از تعطیلی ۱۴۰۱ کارخانه و شرکت شد. همچنین ۹۰ درصد اموال متروکه و رسوب‌شده در انبار گمرکات تعیین تکلیف شدند و ۶ هزار تن کنجاله سویا از انبارهای گمرک آزاد شد (بیانات معاون اول قوه قضائیه، ۱۴۰۳/۴/۴).

۳-۳. رفع تصرف از منابع طبیعی

رفع تصرف از منابع طبیعی یکی دیگر از حقوق عامه‌ای است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند. ایشان دادستان‌ها را مکلف کرده‌اند تا در این حوزه ورود کنند و تصرفات غیرقانونی را رفع کنند. رهبری تصریح کرده‌اند که ورود به احیای حقوق عامه، از جمله رفع تصرف اراضی دولتی و منابع طبیعی، از وظایف اصلی قوه قضائیه است و باید با جدیت پیگیری شود (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰/۴/۷).

در راستای اجرای این فرامین، قوه قضائیه توانسته است بیش از ۹۰ درصد اراضی کشور را تثبیت مالکیت کند. همچنین در سال ۱۴۰۲، بیش از ۳۰ هزار هکتار از اراضی ملی رفع تصرف شدند. تیم‌های عملیاتی ویژه نیز در همکاری با نهادهایی مانند منابع طبیعی و محیط‌زیست تشکیل شده‌اند و اقدام به اجرای احکام قضائی برای بازپس‌گیری اراضی ملی کرده‌اند (بیانات معاون اول قوه قضائیه، ۱۴۰۳/۴/۳).

۳-۴. حفاظت از محیط‌زیست

مسئله حفاظت از محیط‌زیست و صیانت از منابع طبیعی یکی از محورهای اساسی احیای حقوق عامه است که مقام معظم رهبری همواره بر آن تأکید داشته‌اند. ایشان با اشاره به تخریب طبیعت و محیط‌زیست توسط برخی افراد سودجو، تخریب جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی را تهدیدی برای زندگی نسل‌های آینده دانسته‌اند. رهبر انقلاب همچنین خواستار مقابله همه‌جانبه مردم و مسئولان با چنین تخریب‌هایی شده‌اند و تأکید کرده‌اند که حفاظت از محیط‌زیست، مسئولیتی همگانی است (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹/۱۲/۱۵).

رهبر انقلاب اسلامی در دیدارهای مختلف خود، تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی را بالایی

بزرگ برای آینده بشر دانسته و خواستار برخورد قاطع با متعديان به منابع طبيعي شده‌اند. ايشان تأکيد دارند که دستگاه قضائي بايد به‌عنوان پاسدار حقوق عامه، با متجاوزان به اراضي ملي و منابع طبيعي بدون اغماض برخورد کند (بيانات رهبر انقلاب اسلامي، ۱۴۰۰/۴/۷).

دستگاه قضائي نيز در سال‌هاي اخير گام‌هاي عملي مهمي در راستاي حفاظت از منابع طبيعي، مقابله با تغيير کاربري غيرمجاز اراضي کشاورزي و برخورد با ساخت‌وسازهاي غيرمجاز برداشته است. اقدامات قوه قضائيه در مقابله با ساخت‌وسازهاي غيرمجاز و حفاظت از منابع طبيعي، نشان‌دهنده جديت در تحقق فرامين مقام معظم رهبري است. اين اقدامات بايد با برنامه‌ريزي بلندمدت، گسترش نظارت‌ها و تقويت تعامل با ساير نهادهاي مرتبط ادامه يابد. همچنين، اطلاع‌رساني عمومي و آموزش شهروندان در خصوص اهميت حفاظت از محيط‌زيست مي‌تواند به کاهش تخلفات و حفظ حقوق عامه کمک شاياني کند.

۳-۴-۱. اقدامات قوه قضائيه در مقابله با متعديان به اراضي ملي و ساخت‌وسازهاي غيرمجاز

۳-۴-۱-۱. تخریب ۶۴ ویلای غیرمجاز در جنگل‌های نوشهر

دستگاه قضائي در راستاي صيانت از حقوق عامه، اقدام به قلع‌وقمع ۶۴ ويلاي غيرمجاز در جنگل‌هاي نوشهر کرد. اين عمليات که در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ آغاز شد، نشان‌دهنده عزم جدي قوه قضائيه در حفاظت از محيط‌زيست است. اين ويلاها در زميني ۱۰ هکتاري ساخته شده بودند که پس از قلع‌وقمع، هزار و ۸۵۰ اصله نهال شمر در اين زمين کاشته شد و زمين به وضعيت اوليه بازگشت (گزارش رئيس قوه قضائيه، ۱۴۰۳/۳/۱).

۳-۴-۲. تخریب ویلاهای غیرمجاز شهرک «پالم‌پلازا» در کلارآباد مازندران

در يکي ديگر از اقدامات برجسته قوه قضائيه، ۲۴ واحد مسکوني لوکس و مجلل که به‌صورت غيرمجاز در شهرک «پالم‌پلازا» در کلارآباد مازندران ساخته شده بودند، قلع‌وقمع شدند. اين ساخت‌وسازها فراتر از مجوز ۲۰ درصد تعيين شده بود. با صدور احکام قطعي و اجراي آن، زمين‌هاي تغيير کاربري داده‌شده به حالت اوليه بازگردانده شدند (گزارش رئيس قوه قضائيه، ۱۴۰۳/۰۳/۰۱).

۴-۴. دفاع از حق مردم در عرصه بين‌الملل

قوه قضائيه بايد به‌عنوان نهادي که وظيفه احياي حقوق عامه را برعهده دارد، مواضع حمايتي و مخالفت خود را در موضوعات بين‌المللي همچون تحريم‌هاي ظالمانه، مصادره اموال، و تروريسم قاطعانه اعلام کند. رهبر انقلاب اسلامي بر اين نکته تأکيد داشته‌اند که ورود حقوقي قوه قضائيه در موضوعاتي همچون تحريم‌ها، مصادره‌هاي غيرقانوني توسط آمريکا، و حمايت از شخصيت‌هاي مظلوم جهاني مانند شيخ

زکراکی و مسلمانان میانمار و کشمیر، اهمیت فراوانی دارد. ایشان بیان کرده‌اند که قوه قضائیه باید این موارد را به صورت حقوقی و با اعلام مواضع روشن در دنیا منعکس کند تا نشان‌دهنده حمایت از مظلومان و مقابله با ظالمان باشد (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶/۴/۱۲).

ورود قاطع قوه قضائیه به این حوزه می‌تواند جایگاه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مدافع حقوق بین‌المللی و انسانی تثبیت کرده و بستری برای ارتقای صلح و عدالت جهانی فراهم آورد.

۴-۵. مسئله سلامت

رهبر انقلاب اسلامی، سلامت را یکی از مسائل درجه یک و بنیادی هر جامعه می‌دانند و بر اهمیت آن در برنامه‌ریزی‌های کلان تأکید دارند. ایشان بیان کرده‌اند: «اگر بخواهیم چند مسئله مهم را در کنار هم قرار دهیم، بدون شک سلامت یکی از آن‌ها خواهد بود.» همچنین ایشان بر لزوم وجود نگاه علمی و عالمانه در برنامه‌ریزی‌های بهداشتی و درمانی تأکید دارند و معتقدند که سلامت و امنیت دو نعمت اساسی هستند که ارزش آن‌ها در هنگام فقدان آشکار می‌شود (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ و ۱۳۸۹/۲/۱).

۴-۵-۱. نقش ورزش همگانی در تأمین سلامت

رهبر انقلاب همچنین ورزش همگانی را بخشی جدایی‌ناپذیر از سلامت جامعه می‌دانند و توصیه می‌کنند که برنامه‌ریزی‌های اجرایی در این حوزه مورد توجه جدی قرار گیرد. به گفته ایشان: «ورزش همگانی برای همه لازم است و نشاط و آمادگی جامعه در سایه آن تأمین می‌شود» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹/۱/۱).

۴-۵-۲. سلامت به عنوان مصداقی از حقوق عامه

با توجه به تأکید رهبر انقلاب بر اهمیت سلامت عمومی، این موضوع یکی از مصادیق اصلی حقوق عامه تلقی می‌شود. در مواردی که سلامت جامعه به دلیل سوجدویی افراد یا گروه‌هایی به خطر می‌افتد، وظیفه دادستانی است که در راستای احیای حقوق عامه وارد عمل شده و از مردم در برابر مخاطرات احتمالی حمایت کند.

این نگاه آینده‌پژوهانه به سلامت به عنوان یک حق عامه، نیازمند تدوین سازوکارهایی جامع است تا دستگاه‌های قضائی و اجرایی بتوانند با هم افزایی به ارتقای بهداشت عمومی و مقابله با تخلفات در این زمینه پردازند.

۴-۶. مسئله آموزش

رهبر انقلاب اسلامی بر نقش بی‌بدیل نظام تعلیم و تربیت در تحولات جامعه تأکید دارند. ایشان معتقدند که آموزش و پرورش، مبدأ شکل‌گیری هویت و فرهنگ جامعه و پایه‌ای برای تحقق اهداف اجتماعی و تمدنی است. اصلاح و تحول در نظام آموزشی از ابتدای انقلاب اسلامی یکی از

دغدغه‌های اصلی رهبران انقلاب بوده است. این نظام باید با کارآمدی و رویکردی اسلامی، نسل‌های آینده را برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی آماده کند (شهریاری، ۱۴۰۲: ۱۴۸).

دادستان وقت کل کشور نیز بر اهمیت توجه به آموزش و تربیت در راستای حقوق عامه تأکید کرده و معتقد است که مدارس و دانشگاه‌ها باید با تمرکز بر تربیت اسلامی و اخلاقی، نسل جوان را در مسیر اعتقادی صحیح هدایت کنند. او بیان کرده است: «توجه به امور تربیتی و اخلاقی زیربنای هر امر اجتماعی است و اگر بخواهیم در کاهش آسیب‌های اجتماعی موفق باشیم، باید نسل جوان را از دوران تحصیلی با ارزش‌های اسلامی آشنا کنیم» (بیانات دادستان کل کشور، ۱۴۰۲/۶/۸).

در این راستا، هرگونه اقدام مغایر با مسیر صحیح آموزش و تربیت اسلامی، ازجمله انحراف در محتوای آموزشی یا اقدامات مغرضانه در مدارس و دانشگاه‌ها، نقض آشکار حقوق عامه محسوب می‌شود. وظیفه دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم این است که با خاطیان برخورد کند و از انحراف آموزشی یا تلاش برای تعطیلی مراکز آموزشی جلوگیری نماید. چنین اقداماتی نه تنها در چارچوب قانون بلکه با هدف حفظ ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه انجام می‌شود.

۴-۷. حفاظت از بیت‌المال

حفاظت از بیت‌المال به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق عامه، جایگاهی ویژه در دستگاه قضائی دارد. رهبر انقلاب اسلامی همواره بر اهمیت صیانت از اموال عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده از بیت‌المال تأکید داشته‌اند. در سال ۱۴۰۲، با تلاش‌های مراجع قضائی و سازمان بازرسی، مبلغی بالغ بر ۴۲۰ هزار میلیارد تومان به خزانه دولت بازگردانده شد. این اقدام نشان‌دهنده عزم جدی قوه قضائیه در برخورد با متخلفان اقتصادی و حفظ حقوق عمومی است.

حفاظت از بیت‌المال نه تنها به معنای بازگرداندن اموال عمومی به دولت است، بلکه اقدامی در راستای تأمین عدالت اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضائی محسوب می‌شود. آینده‌پژوهی در این حوزه نیازمند ایجاد سازوکارهایی برای افزایش شفافیت و نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه‌های دولتی و غیردولتی است.

۴-۸. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مصادیق برجسته حقوق عامه از منظر رهبر انقلاب اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است. ایشان بر این باورند که این واجب الهی، گرچه به‌طور کامل در جامعه عملی نمی‌شود، اما افراد و گروه‌هایی که به این وظیفه عمل می‌کنند، نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرند. رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند که قوه قضائیه باید از آمران به معروف و ناهیان از منکر حمایت کند و با ایجاد زیرساخت‌های

قانونی مناسب، این واجب را تقویت نماید. ازسوی دیگر، خلأ قانونی در پیگیری حقوق عامه و تعیین مجازات متجاوزان به این حقوق، باید برطرف شود تا از اعمال سلیقه‌ای جلوگیری گردد (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰/۴/۷).

ایشان همچنین به اصل هشتم قانون اساسی، که به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است، اشاره کرده و آن را از اصول بنیادین قانون اساسی برشمرده‌اند. حمایت از آمران به معروف را وظیفه قوه قضائیه دانسته و تأکید کرده‌اند که این افراد نباید در معرض تعدی یا بی‌عدالتی قرار گیرند (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶/۴/۱۲).

بنابراین، دادستان‌ها به‌عنوان مدعی‌العموم، باید با جدیت برای اجرای این واجب، ورود نمایند، آموزش‌های لازم را به آمران و ناهیان ارائه دهند و از حقوق آنان حمایت کنند. افزون بر این، قوه قضائیه باید قوانینی جامع برای حمایت از امر به معروف و نهی از منکر تدوین و تصویب کند تا ضمن تقویت جایگاه این واجب الهی، نقش مؤثری در تحقق عدالت اجتماعی ایفا کند.

۹-۴. حفظ حقوق معنوی

حقوق معنوی عامه به‌عنوان بخشی از حقوق عمومی جامعه، شامل مواردی همچون عزت عمومی، اخلاق حسنه، و ارزش‌های فرهنگی است. رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرمایند: «فرهنگ، هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی، روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، بلکه اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ‌اند» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱/۴/۷). از نگاه ایشان، جامعه به‌مثابه یک کل، حق دارد که از آسیب‌های معنوی مصون بماند. به همین دلیل، قوه قضائیه موظف است با اقدامات قانونی از تضعیف اخلاقی اجتماعی، عزت عمومی، و فرهنگ ملی جلوگیری کند. در این راستا، حمایت از ارزش‌های اخلاقی و مبارزه با انحرافات فرهنگی باید از اولویت‌های اصلی قوه قضائیه باشد. حفظ حقوق معنوی جامعه، نیازمند سیاست‌گذاری‌هایی است که علاوه بر برخورد با متخلفان، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در جامعه کمک کند. این مسئله مستلزم همکاری قوه قضائیه با سایر نهاد‌های فرهنگی و آموزشی است تا ضمن پاسداری از فرهنگ ملی، بستری برای ارتقای سطح اخلاقی و معنویت در جامعه فراهم شود.

۱۰-۴. تأمین امنیت و آرامش روانی مردم

تأمین امنیت روانی جامعه ارتباط تنگاتنگی با حقوق عامه دارد و همه دولتمردان در تلاشند این امر را برای شهروندان محقق سازند و تأمین امنیت روانی در قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است و

افرادی که امنیت روانی جامعه را مشوش می‌کردند تحت عنوان «مرجفون» و «مريض القلب» یاد می‌کند و مرجفون کسانی هستند که با انتشار خبرهای دروغ و باطل موجب خوف مردم می‌شوند و با خبرهایی که ریشه در واقعیت ندارد، اضطراب و لرزه به جان مردم می‌اندازند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۰). همچنین پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «النعثمان مجهولتان: الصحة و الامان» (صدوقی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۰). در این حدیث امنیت در کنار سلامت ذکر شده است که نشان از اهمیت امنیت دارد که شامل امنیت جانی و روانی می‌شود.

۴-۱-۱. تأمین امنیت در فضای مجازی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه تأکید کردند: «اینکه عده‌ای با استفاده از فضای مجازی یا غیرمجازی روی اعصاب مردم راه ببرند، امنیت ذهنی مردم را بهم بزنند و آنان را بترسانند، خلاف مقتضای احیای حقوق عامه است. قوه قضائیه باید با برنامه‌ریزی، انضباط و با قاعده وارد شود» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۸).

مسئولیت قوه قضائیه در این حوزه، حفاظت از آرامش روانی مردم است. این موضوع نیازمند اقدامات به موقع و مؤثر است. براساس گزارش معاون اول قوه قضائیه، در سال ۱۴۰۲ بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار محتوای مجرمانه در شبکه‌های اجتماعی پالایش شد. همچنین، ۳ هزار حساب بانکی مرتبط با قمار مسدود گردید که این اقدامات بخشی از تلاش قوه قضائیه برای تأمین امنیت روانی مردم در فضای مجازی است (گزارش معاون اول قوه قضائیه، ۱۴۰۳/۴/۱).

۴-۱-۲. تأمین امنیت روانی مردم در جامعه

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان قوه قضائیه بر اهمیت امنیت روانی جامعه تأکید کرده و آن را جزو حقوق عمومی مردم برشمردند: «امنیت روانی یعنی اینکه هر روز یک شایعه، دروغ یا حرف هراس‌افکن در ذهن‌ها پخش نشود. جامعه این حق را دارد که احساس امنیت کند و این خود یک حق است» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱/۴/۱۷).

ایشان تأکید کردند که همان‌طور که قوه قضائیه وظیفه دارد از حقوق عامه در مواردی مانند تعرض به حاشیه رودخانه‌ها دفاع کند، باید با عواملی که امنیت روانی جامعه را خدشه‌دار می‌کنند نیز مقابله کند. این وظیفه شامل اقدام قانونی علیه گروه‌های غیرقانونی و افرادی است که با اعمال یا اظهارات خود امنیت روانی جامعه را به خطر می‌اندازند.

همچنین، رهبر انقلاب اسلامی بر ضرورت همکاری قوه مقننه و مجریه در این زمینه تأکید کردند. قوه مقننه باید قوانین لازم را برای حفاظت از امنیت روانی تدوین کند و قوه مجریه نیز باید با ایجاد سازوکارهای اجرایی مناسب، امنیت روانی جامعه را تأمین نماید. ایشان تصریح کردند که این مسائل،

به‌ویژه در حوزه‌های اخلاقی و روانی، اهمیت بسیاری دارند و باید با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار گیرند (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱/۴/۱۷). این قسم از سخنان ایشان در چند مورد وجود دارد- قوه قضائیه یکی از آن مراکزی است که مردم به‌شدت برای استقرار عدال به آن چشم دارند باید خروجی و نتیجه قوه قضائیه، احساس آرامش و امنیت برای مردم باشد ۲- قوه قضائیه بازوی توانمند نظام اسلامی است که موظف است عدل و انصاف را گسترش دهد، از حقوق آحاد ملت بدون هیچ تمایزی دفاع کند، متجاوزان به حقوق مردم را بی‌هیچ تفاوت و بدون اغماض و مسامحه به مجازات برساند و دعاوی و اختلافات را حل و فصل نماید. تحقق این مأموریت بزرگ مایه‌ی استقرار امنیت، طمانینه و آرامش واقعی و پایدار برای مردم است. ۳- هدف از وجود قوه قضائیه این است مردم در جامعه احساس آرامش کنند؛ بدانند اگر کسی به حقوق آن‌ها تجاوزکرد، جایی است که به آن رسیدگی می‌کند؛ بدانند که اگر قوی‌ترین اشخاص حتی دولت- حق کسی را ندیده گرفت، یا خدای ناکرده پایمال کرد یک دستگاه قضائی وجود دارد که شجاعانه و بی‌نظر و بی‌غرض، میدان‌داری می‌کند و حق را به‌حق‌دار می‌رساند. (بیانات رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۷۸/۴/۷).

در این سخنان چند مسئله مهم قابل توجه است اول اینکه امنیت روانی ذیل حقوق عامه قرار دارد؛ دوم اینکه نقض آن به‌مثابه نقض حقوق عامه باید توسط قوه قضائیه مورد مقابله قرار گیرد و قوه قضائیه مسئولیت برگرداندن احساس آرامش به مردم و جامعه را در این باب برعهده دارد؛ سوم اینکه نقش فضای مجازی در اخلال در امنیت روانی مورد توجه جدی قرار گیرد و با آن مقابله شود؛ چهارم علاوه‌بر اخلال در امنیت روانی توسط اشخاص خصوصی در فضای حقیقی و مجازی، به نقض امنیت روانی توسط دولت در مفهوم اعم در مقابل واژه مردم و مأموران دولتی و به‌طورخاص اخلال در امنیت روانی توسط قوه قضائیه، مصادیق و نحوه برخورد با آن توجه شود. (افشاری و اکبری، ۱۴۰۳: ۱۱۱).

۵. مصادیق تعرض به حقوق عامه

مصادیق تعرض به حقوق عامه بسیار گسترده و متنوع هستند و می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار داد. در این مقال فرصت پرداختن به همه مصادیق آن امکان‌پذیر نیست، فقط به برخی از مهم‌ترین و رایج‌ترین مصادیق آن اشاره می‌کنیم:

۵-۱. حوزه منابع طبیعی

از مصادیق تعرض به حقوق عامه در حوزه منابع طبیعی می‌توان به برداشت غیرمجاز و بیش از حد از منابع آب‌های زیرزمینی، جنگل‌ها، مراتع، معادن که باعث تخریب محیط‌زیست و کاهش منابع طبیعی می‌شود، اشاره نمود. این موارد طبق اصل ۴۵ قانون اساسی به‌عنوان ثروت عمومی و حقوق

عامه در اختیار حکومت اسلامی است و باید به نفع مردم استفاده گردد. جنگل‌ها و مراتع به‌عنوان یکی از مواهب بزرگ الهی بستر حیات مادی، اجتماعی و اقتصادی میراث نسل‌های آینده نیز محسوب می‌شود که نسل فعلی در بهره‌برداری آن باید حقوق نسل‌های آینده را نیز لحاظ نماید (کرمی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۷۷). امام صادق (ع) در حدیثی، در مورد استفاده از زمین‌ها و اراضی ملی فرموده است: «هو لجميع المسلمين لمن هو اليوم و لمن یدخل فی الاسلام بعد الیوم و لمن یخلق بعد؛ این زمین‌ها متعلق به همه مسلمین است اعم از کسانی که امروز مسلمان هستند و کسانی که پس از این داخل اسلام می‌شوند و کسانی که هنوز آفریده نشده‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۰۹: ۴۵۶). همچنین اختصاص ناعادلانه زمین، منابع و واگذاری زمین‌های دولتی به اشخاص خاص یا شرکت‌ها بدون رعایت قوانین و فرایندهای شفاف، بدون توجه به حقوق و منافع عمومی که موجب تضییع حقوق عمومی می‌گردد.

۲-۵. حوزه سلامت و بهداشت

از مهم‌ترین و فراگیرترین مصادیق حقوق عامه، سلامت است. سلامت از حیاتی‌ترین نیازهای بشر است که همانند امنیت، پیش‌شرط و بستر بهره‌مندی از مواهب دیگر می‌باشد. یکی از ضروری‌ترین وظایف حکومت و حاکمان تأمین سلامت عمومی و تحقق حقوق عامه در این حوزه است. از طرفی، به حمایت گسترده حکومت در مرحله پیشگیری و درمان نیاز دارد. به عبارتی روشن‌تر، تحقق حقوق عامه در حوزه سلامت، تا حد زیادی، وجه حاکمیتی دارد (نقرشی و یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۵۴).

مصادیق تعرض در این حوزه عبارتند از: کمبود دارو و تجهیزات پزشکی که منجر به عدم دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب می‌شود، ارائه خدمات درمانی بی‌کیفیت ناشی از کمبود منابع انسانی، کمبود امکانات، عدم رعایت استانداردهای پزشکی، تبعیض در ارائه خدمات درمانی، ارائه خدمات درمانی ناعادلانه بر اساس معیارهای غیرقانونی.

۳-۵. حوزه خدمات عمومی و اداری

رشو، اختلاس، سوءاستفاده از مقام و موقعیت، کم‌کاری و اهمال در ارائه خدمات از سوی کارمندان دولت، تاخیرهای غیرموجه در انجام وظایف، عدم پاسخ‌گویی به مراجعان، ارائه خدمات ناقص و بی‌کیفیت، و ارائه خدمات به‌صورت ناعادلانه و بر اساس معیارهای غیرقانونی مانند قومیت، مذهب، جنسیت، یا وابستگی‌های سیاسی و محروم کردن بخشی از شهروندان از خدمات عمومی ازجمله عدم دسترسی به امکانات و خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، آب و برق، حمل‌ونقل، و اینترنت برای بخشی از مردم به دلیل سیاست‌گذاری‌های ناعادلانه یا مشکلات زیرساختی، عدم اطلاع‌رسانی صحیح و

شفاف در مورد خدمات، رویه‌ها، و شرایط دریافت آن‌ها، که باعث سردرگمی و تضییع حقوق مراجعان می‌شود همگی از مصادیق نقض حقوق عامه است. دادستان‌ها وظیفه دارند در راستای احیا حقوق عامه در این گونه موارد وارد شوند، با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، به مدیران و مسئولان سازمان‌ها و دستگاه‌ها اخطار و تذکر داده و در نهایت اقدام قانونی به عمل آورند (تنگستانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

۴-۵. حوزه اقتصاد

بی‌عدالتی در توزیع اقتصاد و ثروت یکی از مصادیق نقض حقوق عامه است. از جمله مصادیق آن می‌توان به احتکار، گران‌فروشی، دستکاری بازار، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها که به ضرر مصرف‌کنندگان است، تولید و عرضه کالاهای غیراستاندارد و تقلبی که به سلامت و ایمنی مردم آسیب می‌رساند، زمین‌خواری و سوء استفاده از منابع عمومی، تصرف غیرقانونی اراضی و منابع دولتی، عدم شفافیت در معاملات دولتی که منجر به فساد و سوء استفاده از منابع عمومی می‌شود. مهم‌تر از همه نبود نهادهای نظارتی مناسب برای پیگیری حسن اجرای قوانین مربوط به مالکیت عمومی و منابع طبیعی و ترک فعل‌هایی که از سوی دستگاه‌ها و اشخاص صورت می‌گیرد، اشاره نمود.

این‌ها برخی از مصادیق رایج تعرض به حقوق عامه هستند. درواقع، هر اقدامی که باعث تضییع حقوق مردم و آسیب به منافع عمومی شود، می‌تواند مصادافی از تعرض به حقوق عامه باشد. مهم است که شهروندان نسبت به این حقوق آگاه باشند و در صورت مشاهده هرگونه تعرضی، آن را گزارش دهند. این نقض‌ها می‌توانند به تضعیف حقوق بشر و منافع عمومی منجر شوند و تأثیرات منفی بر توسعه پایدار کشور داشته باشند. بنابراین، نظارت و اقدام‌های قانونی برای حفظ این اصول از اهمیت بالایی برخوردار است.

۶. چگونگی تحقق سیاست احیای حقوق عامه

تحقق سیاست «احیای حقوق عامه» یکی از محوری‌ترین وظایف قوه قضائیه است که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی این نهاد تعریف شده است. دامنه گسترده حقوق عامه، نیازمند سیاست‌گذاری و اجرای شیوه‌های مبتکرانه و مؤثر است. رهبر انقلاب اسلامی بارها بر ضرورت احیای حقوق عامه با استفاده از روش‌های نوین تأکید کرده‌اند و قوه قضائیه را به‌عنوان پرچم‌دار این مسئولیت معرفی نموده‌اند. در این بخش به ارائه راهکارهایی مبتنی بر فرامین رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه می‌پردازیم.

۶-۱. احیای حقوق عامه به‌عنوان ادراک عمومی

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس قوه قضائیه در سال ۱۳۹۷ بر ضرورت تبدیل قوه قضائیه به مرجع عدالت تأکید کردند. ایشان بیان داشتند: «قوه قضائیه باید به‌گونه‌ای عمل کند که همه مردم

احساس کنند این نهاد مظهر عدالت است. هر فردی در هر نقطه‌ای از کشور که دچار مظلومه‌ای شد، باید با اطمینان خاطر به قوه قضائیه مراجعه کند و بداند که مشکل او حل خواهد شد» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۴/۶).

این بیانات نشان‌دهنده اهمیت ایجاد ادراک عمومی از عدالت توسط قوه قضائیه است. در پی این تأکيدات، دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه در سال ۱۳۹۵ توسط دادستان کل کشور وقت- حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی- تدوین و در سال ۱۳۹۷ بازنگری و با شانزده ماده ابلاغ شد. این دستورالعمل چارچوبی برای تقویت نظارت بر اجرای حقوق عامه و برخورد با تخلفات ایجاد کرد. رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت را به‌عنوان یکی از ارکان مشروعیت نظام معرفی کرده‌اند. براین اساس، سیاست احیای حقوق عامه باید به‌صورت فوری و با جدیت پیگیری شود. تحقق این سیاست موجب افزایش کارآمدی و ارتقای مقبولیت نظام خواهد شد.

به بیان دیگر، قوه قضائیه باید به‌عنوان نگهبان عدالت و مبارزه با فساد، مأمونی برای مردم در برابر تبعیض و تضییع حقوق عمومی باشد. این امر علاوه بر تقویت ادراک عمومی از عدالت، زمینه‌ساز توسعه اجتماعی و افزایش اعتماد مردم به نظام حقوقی کشور خواهد بود.

احیای حقوق عامه یک مسئولیت محوری برای قوه قضائیه است که تحقق آن نیازمند تعهد، شفافیت، و استفاده از شیوه‌های نوین و خلاقانه است. تأکید رهبر انقلاب اسلامی بر احیای حقوق عامه نشان‌دهنده اهمیت راهبردی این سیاست برای ارتقای عدالت اجتماعی و اعتماد عمومی است. با پیگیری جدی این راهبردها، می‌توان به تقویت مشروعیت و کارآمدی نظام دست یافت.

۶-۲. تبیین حقوق و آگاهی‌بخشی

یکی از مسائلی مهم در تحقق حقوق عامه، آگاهی مردم از حقوق خویش و ظرفیت‌های قانونی مرتبط با آن است. بسیاری از افراد ممکن است نسبت به حقوق خود در حوزه‌های مختلف آگاهی کافی نداشته باشند و این موضوع مانعی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و احیای حقوق عامه به شمار می‌رود. بنابراین، اولین گام در این راستا، تبیین حقوق برای آحاد مردم است. این وظیفه‌ای است که برعهده قوه قضائیه و سایر نهادهای مسئول نهاده شده است.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند که مردم باید نسبت به حقوق خود آگاه باشند و این حقوق برای آن‌ها شفاف‌سازی شود. دستگاه‌ها و نهادهای عمومی باید با استفاده از ابزارهای آموزشی نظیر مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و فضای مجازی به ارتقای سواد حقوقی جامعه بپردازند. افزون‌براین، خود مردم نیز باید این حقوق را درک کرده و نسبت به مطالبه‌گری در این حوزه اقدام کنند. این مطالبه‌گری می‌تواند به‌صورت فردی یا از طریق نهادهای اجتماعی نظیر رسانه‌ها و سازمان‌های

مردم نهاد (سمن‌ها) انجام شود.

۶-۲-۱. نقش قوه قضائیه در آگاهی‌بخشی و تقویت مطالبه‌گری

قوه قضائیه به‌عنوان پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی، وظیفه دارد از طریق ابزارهای مؤثر و در دسترس، خدمات قضائی اولیه (نظیر پیشگیری، گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی) و خدمات ثانویه (نظیر پیگیری دعاوی حقوقی) را برای مردم فراهم کند. برای تحقق این امر، ضروری است که این قوه به‌صورت شفاف فهرستی از حقوق مورد حمایتش را ارائه داده و آن را به‌روزرسانی کند. همچنین، باید ابزارهای کارآمدتری برای اعمال نظارت قضائی و پاسخ‌گویی به مردم فراهم شود.

۶-۲-۲. راهکارهای ارتقای مشارکت مردم در احیای حقوق عامه

الف: آموزش عمومی و ارتقای سواد حقوقی:

اول: نظام سیاسی باید با تعامل با نهادهای علمی و دانشگاهی، برنامه‌هایی برای ارتقای سواد حقوقی جامعه به‌ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار تدوین کند.

دوم: آموزش حقوق عمومی و روش‌های مطالبه‌گری باید در قالب برنامه‌های آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها ارائه شود.

ب: بهره‌گیری از رسانه‌ها:

رسانه‌ها نقش مهمی در آگاهی‌بخشی دارند. افزایش محتوای آموزشی و تحلیل موارد نقض حقوق عامه در رسانه‌ها می‌تواند به آگاهی مردم و تقویت مطالبه‌گری کمک کند.

ج: تشویق به گزارش‌دهی و سوت‌زنی:

قوه قضائیه باید سازوکارهایی شفاف و امن برای گزارش‌دهی موارد نقض حقوق عامه ایجاد کند و از افرادی که در این راستا همکاری می‌کنند، حمایت کند.

ج: تقویت ارتباط میان مردم و قوه قضائیه:

اول: ایجاد سامانه‌های ارتباطی مؤثر میان مردم و دستگاه قضائی برای ارائه شکایات، گزارش‌ها و پیشنهادها.

دوم: ارائه اطلاعات شفاف درباره حقوق مردم و روش‌های قانونی برای پیگیری آن‌ها.

ارتقای آگاهی عمومی و تشویق مردم به مشارکت فعال در مطالبه‌گری حقوق عامه، از الزامات بنیادین احیای عدالت اجتماعی است. قوه قضائیه و سایر نهادهای مرتبط باید با بهره‌گیری از ابزارهای آموزشی و فناوری‌های نوین، مسیر شناسایی و احقاق حقوق را برای مردم هموار کنند. در این میان، تعامل میان مردم، رسانه‌ها و نهادهای قضائی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۶-۳. کار عملی در احیای حقوق عامه

یکی از راهکارهای اساسی برای تضمین تحقق سیاست احیای حقوق عامه، انجام اقدامات عملی

مفید و سپس اطلاع‌رسانی و تبلیغ این دستاوردها به شیوه‌ای شفاف و هنرمندانه است. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص تأکید دارند: «برای اعتمادسازی باید دو اقدام اساسی انجام شود: نخست، کار عملی و دوم، کار تبلیغاتی» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه؛ ۱۳۹۷/۴/۶)

۳-۳-۶. کار عملی برای احیای قاطعانه حقوق عامه

کار عملی باید به گونه‌ای باشد که پشتیبانی نظام قضائی از مردم را به شکلی محسوس نمایان سازد و نشان دهد که قوه قضائیه وظیفه احقاق حق را با قاطعیت انجام می‌دهد. این اقدامات شامل بازنگری در قوانین، ایجاد ساختارهای کارآمد برای پایش و نظارت بر حقوق عامه و کنترل صدور آرای شکلی و فاقد استدلال است. در این راستا، رهبر انقلاب اسلامی بر ضرورت حذف رویه‌های صوری و آمارگرایی در رسیدگی‌های قضائی تأکید دارند و بیان می‌کنند که آرای صادره باید مبتنی بر استدلال و عدالت باشد (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه؛ ۱۳۹۷/۴/۶)

قوه قضائیه باید ساختارهای لازم برای احقاق حقوق مردم و تربیت قضائی در تراز نظام اسلامی را فراهم کند. رهبر انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر نظارت مستمر بر عملکرد قضات، به تشویق قضات شایسته و تنبیه قضات ناکارآمد اشاره می‌کنند: «قضات برتر و نمونه را معرفی کنید تا الگویی برای سایرین باشند و روحیه تلاش و صداقت در میان آنان تقویت شود» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه؛ ۱۳۹۷/۴/۶).

۳-۳-۶. تبلیغ و شفافیت در عملکرد

احساس عدالت در جامعه تنها با اجرای عدالت حاصل نمی‌شود، بلکه تبلیغ مؤثر و شفافیت در عملکرد نیز ضروری است. قوه قضائیه باید عملکرد خود را در زمینه احیای حقوق عامه به‌طور شفاف به اطلاع مردم برساند. این شفافیت از یک‌سو باعث اطمینان مردم به نظام قضائی می‌شود و از سوی دیگر، بازدارندگی مؤثری برای متخلفان ایجاد می‌کند.

رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌کنند: «تبلیغات باید به گونه‌ای باشد که حقیقت به دل مخاطب منتقل شود، نه صرفاً به گوش او. این کار نیازمند استفاده از ابزارهای هنری و رسانه‌ای قوی است که بتواند دستاوردهای قضائی را به مردم نشان دهد و اعتماد آن‌ها را جلب کند» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه؛ ۱۳۹۷/۴/۶).

۳-۳-۶. راهبردهای پیشنهادی برای کار عملی و تبلیغ مؤثر

الف: تقویت سازوکار نظارت:

اول: استقرار تیم‌های پایش و نظارت ناشناس در دادگاه‌ها برای ارزیابی عملکرد قضات.

دوم: تدوین دستورالعمل‌های شفاف برای رسیدگی به شکایات و ارائه پاسخ‌های مستدل.

ب: تشویق و تنبیه:

اول: معرفی قضات نمونه به جامعه و ایجاد انگیزه در میان سایر قضات.

دوم: برخورد قاطع با تخلفات قضائی و شفاف‌سازی درباره آن‌ها.

ب: شفافیت و اطلاع‌رسانی:

اول: ارائه گزارش‌های عمومی از اقدامات انجام‌شده در حوزه احیای حقوق عامه.

دوم: استفاده از ابزارهای رسانه‌ای برای نمایش دستاوردها و تقویت اعتماد عمومی.

ج: بهره‌گیری از رسانه‌های هنری:

اول: تشکیل تیم‌های حرفه‌ای رسانه‌ای برای طراحی کمپین‌های تبلیغاتی با هدف اطلاع‌رسانی به مردم.

دوم: استفاده از داستان‌گویی و محتوای چندرسانه‌ای برای جلب توجه عمومی و افزایش اعتماد به

نظام قضائی.

کار عملی و تبلیغ آن، دو رکن اساسی در تحقق سیاست احیای حقوق عامه است. قوه قضائیه باید با اجرای عدالت، شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی، اعتماد عمومی را جلب کند. این اقدامات نه تنها موجب افزایش رضایتمندی مردم می‌شود، بلکه بازدارندگی مؤثری برای متخلفان ایجاد می‌کند و جایگاه قوه قضائیه را به‌عنوان پاسدار عدالت در جامعه تقویت می‌کند.

۴-۶. ضرورت اولویت‌بندی در سیاست‌های قضائی

بررسی برنامه‌های عملی قوه قضائیه این پرسش را مطرح می‌کند که در عرصه عمل، کدام سیاست‌ها باید در اولویت قرار گیرند؟ مقامات قضائی بر کاهش ورودی‌های قوه قضائیه تأکید دارند و این موضوع را از طرق مختلف در قوانین و لوایح مطرح کرده‌اند. از جمله این تدابیر می‌توان به مواد ۱۱۳ و ۱۱۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و «لایحه قضازدایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین» اشاره کرد. این سیاست‌ها با عباراتی همچون «کاهش مراجعه مردم به مراجع قضائی»، «بهداشت قضائی» و «جرم‌زدایی» شناخته می‌شوند. هدف این سیاست‌ها کاهش صلاحیت‌های قضائی و خارج کردن برخی دعاوی از حوزه مراجع قضائی است.

اگرچه ممکن است این تدابیر در کاهش اطاله دادرسی و ارتقای کیفیت آرای قضائی مؤثر باشد، اما نباید منجر به محدودشدن دسترسی مردم به عدالت شود. نظام قضائی و قانون اساسی بر آن تأکید دارند که حمایت قوه قضائیه نباید به بهانه کاهش فشار کاری از مردم دریغ شود. اصل ۳۴ قانون اساسی به صراحت بیان می‌کند: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید». همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.» این اصل بیانگر

آن است که دادخواهی حقی بنیادین برای ملت است و نباید با هیچ سیاستی مانع دسترسی مردم به دستگاه قضائی شد.

براساس حکم ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی، سیاست‌های قضائی باید در چهارچوب برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده اصلاح شود. این اصلاحات باید تمامی جنبه‌های قوانین، ساختارها و رویه‌های قضائی را شامل شود تا هیچ‌کس از دایره رسیدگی قضائی خارج نماند. تأکید بر اجرای عدالت بدون ملاحظه و دخالت‌پذیری، همان‌طور که در بند پنجم این حکم آمده است: «در برخورد قضائی ملاحظه‌ی این و آن را نکنید»، نشانگر رویکرد قوه‌ی قضائیه در حفظ و گسترش عدالت برای همه است».

اولویت‌بندی سیاست‌های قضائی باید به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر کاهش بار کاری دستگاه قضا، دسترسی عمومی به عدالت را تضمین کند. هیچ سیاستی نباید مانع تحقق اصل دادخواهی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین ملت شود. در این راستا، قوه قضائیه باید با بازنگری در قوانین و رویه‌ها، ضمن حفظ دسترسی مردم به عدالت، کیفیت خدمات قضائی را ارتقا دهد و اعتماد عمومی را به نظام قضائی تقویت کند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا حقوق عامه و مصادیق اصلی و چگونگی احیای آن در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی تبیین شود. براساس تحلیل متون و بیانات ایشان، مشخص گردید که حقوق عامه در منظومه فکری رهبری، جایگاهی محوری داشته و از مطالبات اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران است. تأکید بر این حقوق، به‌عنوان یک تکلیف قانونی در اصل ۱۵۶ قانون اساسی برای قوه قضائیه، نشان‌دهنده اهمیت بنیادین این موضوع در ساختار حقوقی کشور است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وظیفه قوه قضائیه از منظر رهبر انقلاب، محدود به رسیدگی به دعاوی و صدور احکام قضائی نبوده، بلکه به‌عنوان نهادی مسئول در قبال صیانت از حقوق عامه، موظف به اقدام قاطعانه و مدبرانه در برابر تضییع این حقوق است. این مهم، فراتر از کارکرد سنتی دستگاه قضائی، بر نقش کنشگرانه آن در جهت استیفای حقوق شهروندان و مقابله با فساد و تعدی به اموال عمومی و حقوق عامه تأکید دارد.

در این مطالعه مشخص شد که رهبر انقلاب نه تنها بر اهمیت حقوق عامه و مهم‌ترین مصادیق آن از جمله، حفظ حقوق معنوی و تأمین آرامش روانی مردم در جامعه و فضای مجازی تأکید دارند، بلکه با ارائه مصادیق و راهکارهایی عملی، زمینه را برای تحقق این سیاست فراهم کرده‌اند. تأکید بر ضرورت

تبدیل قوه قضائیه به مظهر عدالت و اطمینان شهروندان از دسترسی به عدالت از طریق این نهاد، تبیین حقوق و آگاهی بخشی، کار عملی و تبلیغ آن و شفافیت در عملکرد از جمله راهکارها است. همچنین، توجه به آگاهی بخشی به مردم در مورد حقوق عامه، تقویت روحیه مطالبه‌گری و اطلاع‌رسانی شفاف و حرفه‌ای درخصوص اقدامات قوه قضائیه به منظور ایجاد اطمینان عمومی، از دیگر نکات برجسته در دیدگاه‌های ایشان است.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، سیاست احیای حقوق عامه در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران، دارای ابعاد راهبردی بوده و نه تنها در راستای حمایت از حقوق شهروندان، بلکه در راستای افزایش اعتماد عمومی و استحکام نظام قضائی کشور نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند. بااین حال، برای تحقق کامل این سیاست، لازم است تا با چالش‌های پیش روی آن و تعرض به حقوق عامه از قبیل فساد اداری، کمبود منابع و برداشت بی‌رویه، موانع قانونی، فرهنگی و اقتصادی مقابله شود و با رویکردی علمی و جامع، به ارتقای کارآمدی دستگاه قضائی و نهادهایساز حقوق عامه در جامعه همت گماشت.

منابع

- ایروانی نجفی، میرزا علی، حاشیه المکاسب، رشیدی، تهران، چاپ دوم، ج ۲، ۱۳۸۰.
- افشاری، فاطمه، پفت، آراین، موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن، فصلنامه دانش عمومی، ۱۴۰۰، ش ۳۳.
- افشاری فاطمه، اکبری، مینا، نقش قوه قضائیه در تأمین امنیت روانی شهروندان در راستای احیای حقوق عامه، میزان حقوق عامه، ۱۴۰۳، ش ۱.
- ترکی، غلامعباس، تقوی، سیدعباس، آسیب‌شناسی فرایند کشف مصادیق نقض حقوق عامه، مجله میزان حقوق عامه، ۱۴۰۳، ش ۱.
- تنگستانی، محمدقاسم و همکاران، گفتارهایی در باب نهاد دادستانی، و احیای حقوق عامه، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۷، چاپ اول.
- تنگستانی، محمد قاسم، درآمدی بر مسئولیت قوه قضائیه در « احیای حقوق عامه» با تأکید بر وظایف سازمان‌ها و نهادهای عمومی، مرکز انتشارات و مطبوعات قوه قضائیه، ۱۳۹۷.
- تفرشی میرهادی، سیدمحمدرضا، یوسفی، بتول، عدالت در حوزه سلامت با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری، مجله پژوهش در دین و سلامت، ۱۴۰۰، ش ۱.
- پروین، خیرالله، اصحابی، فاطمه، دعوی متضمن نفع عمومی ظرفیتی در احیای حقوق عامه، مطالعه موردی تطبیقی، فصلنامه حقوق تطبیقی اسلام و غرب، ۱۴۰۰، ش ۴.
- دشتی، علی، همکاران، واکاوی تضمینات حقوق عامه با نگاهی به حقوق شهروندی و جایگاه مقام تعقیب، مجله اخلاق زیستی، ۱۳۹۷، ش ۱.
- سلطانی، سیدناصر، جرایم علیه حقوق اساسی ملت، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌المللی، ۱۳۹۳.
- شهریار، محمد، خشت نو؛ تحول بنیادین آموزش و پرورش در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.
- شفیعی علویجه، مجتبی و دیگران، واکاوی موانع و چالش‌های قوه قضائیه در صیانت از حقوق عامه، مجله میزان حقوق عامه، ۱۴۰۳، ش ۱.
- کرمی‌بور، مصطفی، حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری، مشارق الانوار، چاپ اول، ۱۴۰۱.
- کبگانی، محمدحسن و دیگران، واکاوی مفهومی احیای حقوق عامه با مطالعه تطبیقی دعاوی منفعت عمومی، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۴۰۲، ش ۲.
- صدوقی، ابن بابویه، کتاب الخصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، کتابچی، چاپ ۹، ج ۱، ۱۳۸۱.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ج ۱۶، ۱۳۸۵.

- حسینی حائری، سیدکاظم، *فقه العقود*، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم، ج ۱، ۱۴۲۳ق.
- غمامی، سیدمحمد مهدی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- قاضی، سید ابراهیم، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
- نقره کار، محمد صالح، *نقش دادستان در ضمانت از حقوق عامه*، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- نقره کار، محمد صالح، *آیا حقوق عامه متولی دارد؟ دادستان تضمین کننده اعطا و استیفای کامل حقوق عامه*، پایگاه اینترنتی دادگستری کل استان اصفهان، ۱۳۹۸.
- هادی، دادیار، *نقش دادستان در حفظ حقوق عامه و چالش های قانونی و اجرایی آن*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار احیاء تراث اسلامی، بیروت، چاپ ششم، ج ۱، ۱۴۰۶، ۱۰۹ق.
- *بیانات مقام معظم رهبری*، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی www.leader.ir.
- سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id>